

ما می گوئیم:

۱. در توضیح فرمایش مرحوم عراقی لازم است اشاره کنیم که:

آنچه در عالم خارج هست یک وجود است که حدّی دارد و آن ماهیت است و آن ماهیت در عالم خارج متحد است با وجود (این ماهیت را می توانیم «ماهیت متحد مع الوجود الخارجی» بنامیم).  
مرحوم عراقی چنین ماهیتی را متعلق امر و نهی نمی داند، بلکه می گوید از همین «ماهیت متحد با وجود خارجی»، یک صورت ذهنی در ذهن داریم که به همان امر می کنیم. پس حیثیت ذهنی را دخیل می کنیم و می گوئیم:

«لحاظ و تصوّر [لحاظ تصوّری] ما» از «ماهیت متحد با وجود خارجی» متعلق امر است. (یعنی ماهیت من حیث هی متحد مع الخارج که همان ماهیت خارجی به لحاظ تصوّری است)

۲. و این سخن کاملاً با سخن مرحوم آخوند مغایر است چراکه مرحوم آخوند می فرمود «امر، طلب وجود ماهیت است» و مرحوم عراقی اصلاً سراغ «وجود» نرفته است و امر را طلب ماهیت من حیث هی متحد مع الخارج بر می شمارد و می فرماید:

«و علیه فلا محیص من إلغاء الوجود عن البین بالمرّة و المصیر إلى ان المتعلق للطلب و الأمر هی نفس العناوین و الصور الذهنیة بما انها ملحوظة خارجیة دون المعنونات الخارجیة، من غیر فرق فی ذلك بین کون العنوان من العناوین الانتزاعیة أو من الطبائع المتأصلة كالصلاة و الصوم و نحوهما.»<sup>۱</sup>

۳. حضرت امام در تقریر سخن مرحوم عراقی همین مطلب را به ایشان نسبت می دهند و از قول مرحوم حائری عبارتی را نزدیک به این مطلب نقل می کنند:

«و ینظر من المحقّق العراقي قدس سره: أنّ معروض الطلب و متعلّقه الطبیعة بما هی مرآة للخارج و یری بها عین الخارج باللحاظ التصوّری، مع العلم و التصدیق بخلافه؛ لما یری أنّها غیر موجودة فی الخارج.»

و قریب من ذلك ما ینظر من شیخنا العلّامة الحائری قدس سره؛ فإنّه کان یقول فی مجلس الدرس

۱. نهاية الأفكار، ج ۲، ص ۳۸۴.



مکرراً: إِنَّ مَتَعَلَّقَ الْأَمْرِ «طبیعت خارج دیده»<sup>۱</sup>

۴. اما به نظر می رسد فرمایش مرحوم عراقی را یا باید با آنچه از مرحوم بروجردی خواندیم تکمیل کنیم، به اینکه:

«وقتی مولا این ماهیت را می خواهد، برآورده کردن خواسته او به ایجاد ماهیت است پس اگرچه مولا طبیعت را می خواهد و نه وجود را ولی طبیعت وقتی طبیعت است که موجود شده باشد.»  
و یا به آنچه گفتیم که «عرفاً ملاک عمل بر اساس اصالة الماهية است و تحقق ماهیت خواسته شده است و همان هم در خارج محقق می شود.»

۵. اینکه مرحوم عراقی می فرماید: «لحاظ تصدیقی» را مدّ نظر قرار نمی دهیم، می تواند به این جهت باشد که «چون می دانیم که اگر بعدها این ماهیت بخواهد محقق شود، حتماً به صورت بالعرض و به تبع یک وجود، محقق می شود و لذا آنچه فی الواقع محقق می شود، وجود است، در نتیجه، اصلاً به این لحاظ تصدیقی توجه نمی کنیم» و می تواند به این جهت باشد که: «الان که ماهیت متحد با وجود را تصور می کنیم ما می دانیم که در خارج موجود نیست و لذا به لحاظ تصدیقی محقق نیست.»

۱. جواهر الأصول؛ ج ۳؛ ص ۲۱۱



## اشکال های امام خمینی بر مرحوم عراقی:

حضرت امام ابتدا می نویسد که کلام مرحوم عراقی ناشی از «غفلت از معنای ماهیت» است:

«و لا یخفی أن هذا ناش من الغفلة عن معنى قولهم: الماهية من حيث هي ليست إلا هي، و لهذا زعم أن الماهية لا يمكن أن يتعلّق بها أمر أو يحلقها شيء آخر، مع أن الأمر ليس كذلك، بل معنى هذا أن الأشياء كلّها منتفية عن مرتبة ذات الماهية، و لم يكن شيء عينا لها و لا جزء مقوماً، و أن كلّ ما ذكر يلحق بها و خارج عن ذاتها و ذاتياتها، و هذا لا ينافي لحوق شيء بها، فالماهية و إن كانت من حيث هي ليست إلا هي أى فى مرتبة ذاتها لا تكون إلا نفس ذاتها لكن تلحقها الوحدة و الكثرة و الوجود و غيرها من خارج ذاتها، و كلّ ما يلحقها ليس ذاتا و لا ذاتيا لها، أى ذاتيّ باب إيساغوجي.

فالأمر إنّما يتعلّق بنفس الماهية من غير لحاظها متّحدة مع الخارج، بل لما رأى المولى أن الماهية فى الخارج منشأ الآثار من غير توجه نوعا إلى كون الآثار لوجودها أو لنفسها فى الخارج و لم تكن موجودة، يبعث المأمور إلى إيجادها و صيرورتها خارجيّة، فالمولى يرى أنّها معدومة، و يريد بالأمر إخراجها من المعدوميّة إلى الموجوديّة بوسيلة المكلف.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. کلام مرحوم عراقی ناشی از آن است که از معنای «ماهیت من حيث هي ليست الا هي» غفلت کرده اند. و فکر کرده اند که امر و نهی نمی تواند به چنین ماهیتی تعلّق بگیرد.
۲. ولی این غلط است چراکه معنای این جمله آن است که در مرتبه ذات ماهیت چیزی نیست و هیچ چیز مقدمه ذات ماهیت و یا عین آن نیست و خارج از ذات و ذاتیات آن است.
۳. ولی این منافات ندارد با اینکه بگوئیم چیزی دیگر به آن ملحق شود.
۴. پس ماهیت من حيث هي، اگرچه در مرتبه ذات، ليست الا هي ولی بسیاری از امور به آن ملحق می شود (در عین حال که ذات و ذاتیات آن نیستند)
۵. پس وقتی امر می پندارد که ماهیت در خارج منشأ آثار است (و توجه ندارد به اینکه آثار مربوط به

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۶۸



وجود است) مکلف را به ایجاد آن مأمور می کند.

